

فرایند حرکت تکاملی انبیاء علیهم‌السلام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای -

علی سرلک^۱

سیدمهدی موسوی^۲

چکیده

حرکت انبیاء یک حرکت تکاملی است و در صدد رشد و ترقی انسان به شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان است. حرکت تکاملی انبیای الهی بر پایه مفهوم مرکزی و بنیادین «توحید» است. توحید و معرفت خدا همه مایه تکامل و تعالی روح انسان و رشد و تعالی وجودی اوست که هدف عالی و نهایی انبیاء است و هم طرح توحید به معنای ایجاد یک محیط الهی و سالم و پیشنهاد ساختار جامعه و نظم الهی، عادلانه، بدون ظلم، بدون استثمار اجتماع است. با استفاده از قرآن کریم و اطلاعات تاریخی و تحلیل عقلی، این حرکت در سه مرحله مهم طی شده است: مرحله اول: تحول و رستاخیز درونی؛ مرحله دوم: رستاخیز و انقلاب اجتماعی؛ مرحله سوم: ساختن و بنیانگذاری یک اجتماع نو. هر کدام از این مراحل از گام‌های مختلفی تشکیل شده است.

واژگان کلیدی

حرکت تکاملی، انبیاء، آیت‌الله خامنه‌ای، توحید.

مقدمه

مطالعه تاریخ و جستجو از شیوه حرکت و تکامل انسان در بستر تاریخ پیشینه‌ای دراز دارد و در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها می‌توان شواهد روشنی بر این رویکرد یافت. روشن‌ترین آن در میان پیروان ادیان ابراهیمی است. نشانه‌های آن در کتاب‌های مقدس و منابع معتبر نزد

- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه هنر (sarlak@ant.ac.ir).

۲. مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی (taha121@gmail.com).

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان موجود است. در واقع اعظم مباحث کتابهای مقدس ادیان ابراهیمی توجه به تاریخ و سیر حرکت جوامع و محور انبیای الهی علیهم‌السلام در مواقف و برهه‌های مختلف حیات انسانی است و همین عنایت و توجه به تاریخ یکی از ریشه‌های نگرش جوامع دینی و متأثر از دین و تاریخ است. هم‌چنان‌که ادامه همین سنت فکری در جامعه مدرن مسیحی تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند تاریخ حرکت انبیاء علیهم‌السلام تحت الشعاع تاریخ یونان و روم قرار گرفت و انسان متجدد در صدد بازتعریف تاریخ براساس حیات دنیوی و مادی بود.

تاریخ در قرآن کریم نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در قرآن به انسان انضمامی در متن مواقف و عرصه‌های مختلف زندگی و حیات اجتماعی توجه ویژه‌ای شده است و در متن حوادث و وقایع اجتماعی و تاریخی چهره‌های تحقق یافته انسان را معرفی می‌کند و در خلال توصیف و تبیین وقایع و حوادث زندگی ایشان، اصول زندگی ساز و موازین حرکت و تحول جامعه را بیان می‌کند که گاه رو به رشد و تعالی دارد و گاه به سمت سقوط و افول متمایل است. در نگرش قرآن به تاریخ، انبیای الهی محور حرکت اجتماع و موتور محرکه حرکت تکاملی تاریخ معرفی شدند که در مقابل طواغیت که مروج جهالت، ستیز و سیستم هستند صبورانه و مجاهدانه ایستاده‌اند و انسان‌ها را به رهایی از اسارت جهل و زنجیره‌ای طاغوت و رهایی از هواهای نفسانی و گرداب‌های فرهنگی و اقتصادی دعوت کردند براین اساس حیات اجتماعی بشر و تاریخ انسان یک کاروان پویای به هم پیوسته و متصل است که از آغاز خلقت انسان تاکنون منازل و مواقع مختلفی را پی در پی گذرانده است که به امروز و وضعیت موجود رسیده است.

آیت‌الله خامنه‌ای به تاریخ و تحلیل قرآنی حوادث و عقاید اسلام توجه ویژه‌ای دارد و در این زمینه آثاری ترجمه و تألیف کرده است. تاریخ در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و نسبت بسیار زیادی میان معارف دینی و تاریخ برقرار می‌سازد؛ به نحوی که تاریخ را تفسیر قرآن می‌داند که در آن می‌توان قرآن را پیدا کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۶۰۰ و ۶۰۶) نگاه ایشان به تاریخ، نگاه نقلی بیان ریز مسائل و تقویم وقایع و روزشمار حوادث نیست، هم‌چنین تاریخ، علم سیاست، اقتصاد و یا فرهنگ نیست. بلکه تاریخ نحوه زیست آدمی و فلسفه بودن اوست که در آن حقیقت همه لایه‌های وجودی و عرصه‌های حیاتی آدمی تجلی یافته است. (بیانات در دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۸)

از مهم‌ترین آثار آیت‌الله خامنه‌ای که مرتبط با بحث تاریخ است ترجمه کتاب‌هایی نظیر: صلح امام حسن علیه‌السلام، نهضت مسلمانان هندوستان، آینده در قلمرو اسلام، ادعاینامه‌ای علیه

غرب. آثار تألیفی و تولیدی ایشان در این حوزه نیز عبارت است از: همزمان حسین، دو امام مجاهد، پیشوای صادق، چهار کتاب اصلی در علم رجال، تاریخ حوزه علمیه مشهد، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، روح توحید و نفی عبودیت غیرخدا، پیام به کنگره شیخ مفید، پیام به کنگره امام رضا علیه السلام.

از مهم‌ترین موضوعاتی که در آثار قرآنی و تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای قابل مشاهده است که به صورت مفصل بدان توجه شده «حرکت تکاملی انبیاء» است. در ادامه به طرح آیت‌الله خامنه‌ای از «حرکت تکاملی انبیاء» پرداخته می‌شود.

ضرورت تدوین اصول حرکت تکاملی انبیاء

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، انبیاء علیهم السلام براساس یک سلسله اصول و موازین و پایه‌های نظری و عملی در حیات اجتماعی وارد می‌شوند و براساس همان اصول و موازین رفتار می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ الف: ۱۲۰) و در جامعه تحول ایجاد می‌کنند. با وفات انبیاء علیهم السلام و پایان دوره نبوت حرکت تکاملی انسان و نهضت اساسی انبیاء تمام نمی‌شود بلکه این مسیر تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و البته، مسیر تکامل و تعالی نیز همان مسیر و همان طرح عملیاتی و راهبردی است و پیروان انبیاء و طالبان مسیر تعالی و تکامل چاره‌ای جزء دقت نظری برای شناخت تمسک عملی به سیره و طریق انبیاء ندارند تا بتوانند کاروانی را که انبیاء علیهم السلام راهبری کرده و تکامل نسبی رسانده‌اند به درستی حرکت دهند و بر همان اساس و موازین آن را از غبارها، گرداب‌ها، بحران‌ها و موقف‌ها و موقعیت‌های مختلف عبور داد. این تجربه بزرگ تاریخی، سرمایه‌ای بس عظیم برای شناخت انسان انضمامی و موقعیت‌ها و مواقف جوامع انسانی و انتخاب بهترین طریق برای حرکت و اقدام است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۸۷/۵/۹) شناخت طرح حرکت انبیاء موجب فهم عمیق جزئیات زندگانی انبیاء علیهم السلام و شناخت چرایی تفاوت‌ها و اختلافات میان انبیاء می‌شود و از این طریق می‌توان به فلسفه گفتار انبیاء و حکمت رفتار در موقعیت‌های مختلف و موقف‌های متنوع تاریخی پی برد. هم‌چنین، می‌تواند معیار و محکی برای سنجش اخبار و روایت‌های تاریخی و حل تعارضات اخبار و روایات و بازشناسی اخبار صحیح از اخبار جعلی و تحریفات (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۲۴) باشد. شناخت طرح حرکت انبیاء و اصول رفتاری و جریان‌سازی آنها در اجتماع و تاریخ، می‌تواند معیار و شاخصی برای ارزیابی و سنجش طرح‌ها و الگوهای پیشنهادی صاحبان مکاتب و رهبران و مصلحان اجتماعی باشد و از این طریق، میزان اعتبار و

حجیت پیشنهادات و تجویزهای آنها را اکنشاف کرد و یا به نقد آنها پرداخت.

قرآن کریم منبع شناخت طرح حرکت تکاملی انبیاء

آیت الله خامنه‌ای معتقد است که برای کسب معرفت صحیح و معتبر از حرکت تکاملی انبیاء علیهم‌السلام می‌بایست به قرآن کریم مراجعه کرد. زیرا کتاب‌های آسمانی همان مجموعه اصول و قوانین مدون و خط مشی‌های کلی برای حرکت و تحول جامعه به سمت اهداف و آرمان‌های ادیان است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ الف: ۱۲۴) قرآن کریم، به وقایع و حوادث مهم انبیاء علیهم‌السلام و مواقف حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توجه دارد و بسیاری از مراحل تکون تاریخ بشر و نحوه رفتار پیامبران در رشد و تعالی انسان را به تصویر کشانده است و پس از آن قواعد کلی و موازین اصولی حرکت به سمت رشد و تعالی را بیان کرده است. از این رو، قرآن چراغ راه امت اسلامی است و جامعه باید خود را همواره با آن بسنجد تا راه حرکت را پیدا کند و اصول حرکت را گم نکند. البته سیره و کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام مفسر آیات قرآن است. (همان: ۱۲۴-۱۳۶)

قاعده کلی در حرکت تکاملی انبیاء

از منظر آیت الله خامنه‌ای طرح کلی و تکاملی حرکت انبیاء علیهم‌السلام و اولیای آنها یک طرح واحد و پیوسته است. زیرا هدف همه انبیاء علیهم‌السلام هدف واحد اقامه توحید بوده است. هم‌چنین قواعد کلی و موازین اصولی زندگی بشر، ریشه در ساختار فطرت و طبیعت نوع انسان دارد از این رو، ساختار و حقیقت انسان و زندگی انسانی به عنوان موضوع حرکت و تکامل، نیز یک حقیقت ثابت و مشترک است؛ هرچند به اعتبار موقعیت‌های اجتماعی و موقف‌های تاریخی تفاوت‌ها و تنوع‌هایی وجود دارد که در سعادت و تعالی انسان دخیلند اما، حقیقت انسان و زندگی انسان، از ثبات و اصالت برخوردار است که قابل تغییر و تحویل نیست:

در «یا ایها الناس»، مخاطب آیه ناس است، یعنی اشاره است به یک چیز مشترکی بین همه انسان‌ها که آن فطرت مشترک انسانی است. در این جا: قشرها و نژادها و ملیت‌ها و خون‌ها نیستند که مخاطب قرار می‌گیرند، بلکه این انسانیت است که به طور عام مخاطب قرار می‌گیرد. یعنی آن مشترک بین همه انسان‌ها که فطرت درونی انسان و سرشت انسانیت است، او مخاطب این سخن است که پیداست که آن سرشت انسانی انسان، این امر را، و این مطلب را از خدای متعال درک می‌کند و می‌پذیرد. (بیانات در جلسه بیست و دوم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۱/۲۶)



حرکت انبیاء یک حرکت تکاملی است و درصدد رشد و ترقی انسان به شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان است اما نکته بسیار مهم این است که رشد و ترقی فردی و تعالی و تکامل اجتماعی انسان ضربتی دفعی و شتابزده نیست بلکه مقوله‌ای تدریجی، زمان‌بر و پلکانی است و از نسلی به نسل دیگر و عصری به عصر دیگر منتقل می‌شود و ادامه می‌یابد و متوقف نخواهد شد. در واقع هر عصر و زمانی دوره ظهور برخی از استعدادها و ظرفیت‌های نامتناهی انسان است و می‌بایست نسل اندر نسل به کره خاکی بیایند و هر نسلی بخشی از ظرفیت‌ها و استعدادهای وجودی آدمی را با تلاش و کوشش همه جانبه شکوفا سازد و پس از آن به نسل دیگر به سفارت تا از آن جایی که رشد و تعالی متوقف شده است آغاز کند و اتفاقات جدیدی را رقم بزند. بنابراین حرکت تکاملی، یک حرکت پلکانی و محور آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.^۱

اقامه توحید رسالت انبیاء

از آن‌جا که اساس هر حرکتی هدف و غایت آن است برای استکشاف طرح انبیاء لازم است تا هدف آنها از طرح تکاملی شناخته شود.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، وحی و نبوت یک نیروی بالاتر از ادراک و تعقل بشری و یک عنصر هدایتی عمیق و زندگی‌ساز برای انسان است که قوای مختلف انسان هم‌چون اندیشه و تعقل، ابتکار و خلاقیت را برمی‌انگیزاند و اراده انسانی را شکوفا می‌سازد تا بهتر بتواند از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های وجودی خود برای تعالی و تکامل همه جانبه بهره‌برد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب: ۱۵۹) بنابراین نبوت و دین به هیچ‌وجه در مقابل عقل و توانایی‌های ادراکی بشر نیست و هیچ‌گونه منافات و تعارضی با آنها ندارد بلکه دین به کمک می‌آید و نیروی عقل و تفکر آدمی را برمی‌انگیزاند و مژده امکان طرح و تشکیل حکومت فاضله و مدینه صالحه را به انسان می‌دهد و در اختلافات میان مردم به حق و مصلحت حکم و انسان را به صراط مستقیم هدایت می‌کند. بنابراین نبوت بینش نو و جدیدی است که انسان را به حرکت درمی‌آورد، راه را می‌نماید موانع را به او نشان می‌دهد تا این که بهتر بتواند به سرمنزل هدایت نائل آید. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۱۱-۳۲۳)

بر این اساس انبیاء دو هدف مهم و اساسی دارند:

۱. برای مطالعه بیشتر درباره حرکت پلکانی، ر. ک: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵: ۳۴۱.

۱. تربیت و تعالی انسان

هدف اصلی و محوری انبیاء، ساختن انسان و پیراستن او از بدی‌ها و آراستن به نیکی‌ها و فضیلت‌ها و خوبی‌ها، تربیت و سازندگی است. از این حیث انبیاء الهی به دنبال انسان‌سازی و بالا بردن انسان و تعالی وجودی او برای نیل به سعادت حقیقی است. (همان: ۳۷۶-۳۸۱)

۲. تشکیل جامعه اسلامی

هدف دوم و هدف میانی انبیاء که در واقع راهی برای تحقق هدف اصلی و تعالی انسان‌سازی است عبارت است از: تشکیل جامعه توحیدی نظام الهی و تشکیلاتی با قوانین و مقررات و حیانی؛ که از طریق این جامعه و تشکیلات بتوان مجموع انسان‌ها را به سمت فضائل و خوبی‌ها هدایت و تعالی بخشید. (همان: ۳۸۶-۳۸۷) پس این هدف، راه و طریق حرکت برای رسیدن به آن هدف اساسی و محوری است.

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش که «انبیاء برای پیراستن و آراستن مردم از چه راهی استفاده می‌کنند؟» (همان: ۳۸۳) می‌گوید:

انبیاء معتقد به تربیت فردی و انفرادی نیستند؛ یعنی انبیاء معتقد به کارهای اتو کشیده و نظیف و انتخاب دانه دانه افراد و تربیت فرد فرد آنها نیستند، بلکه انبیاء الهی برای ساختن انسان ابتدا به ساختن محیط متناسب سالم یعنی محیطی که انسان‌ها بتوانند در آن خود را بپروراند رشد دهند و به تکامل برسانند. انبیاء جامعه سالم و صحیحی را به وجود می‌آورند، محیط و متناسب و مسائل را درست می‌کنند تا انسان‌ها خود بتوانند در این محیط رشد و تعالی پیدا کنند. از این رو راهی که انبیاء انتخاب می‌کنند راه جامعه‌سازی و ایجاد محیط متناسب و مساعد برای رشد تعالی و انسان‌سازی است، تا در درون چنین جامعه انسان‌ها فرصت پیدا کنند که به تکامل و تعالی برسند. در جامعه توحیدی و جامعه پیشنهادی انبیای الهی، همه چیزهایی که برای انسان و برای فکر و قلب و روح و جسم او مناسب و ضروری است در اختیار همگان قرار دارد؛ علم و سواد و تقوا و پول متعلق به یک قشر خاص و طبقه مختص این نیست؛ بلکه جامعه اسلامی و جامعه ایده‌آل انبیاء جامعه‌ای است که در آن زور، زورگو و اختلاف طبقاتی نیست، جهل، ناآگاهی، خرافه پرستی، ظلم و ستم نیست؛ بلکه جامعه نبوی براساس آگاهی اطلاع دانش روشن بینی آزادفکری و روشنفکری است. (همان: ۴۲۴-۴۲۵)

مراحل حرکت تکاملی انبیاء علیهم‌السلام

براساس این طرح کلی از رسالت و هدف انبیای الهی، آیت‌الله خامنه‌ای به توصیف و تبیین حرکت تکاملی انبیاء پرداخته است و با استفاده از قرآن کریم و اطلاعات تاریخی و تحلیل عقلی مسیر حرکت، گام‌ها و اقدامات آنها را ترسیم کرده است.

از مجموع مباحث آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان این‌گونه برداشت کرد که حرکت تکاملی انبیاء علیهم‌السلام در سه مرحله اصلی و محوری قابل تقسیم و صورت‌بندی است:

مرحله اول: تحوّل و رستاخیز درونی؛

مرحله دوم: رستاخیز و انقلاب اجتماعی؛

مرحله سوم: ساختن و بنیان‌گذاری یک اجتماع نو.



مرحله اول: تحوّل و رستاخیز درونی

نبوت بعثت و برانگیختگی است یعنی تحرک بعد از رخوت و سستی و رکود. حرکت تکاملی انبیاء الهی علیهم‌السلام در مرحله اول یک حرکت درونی و انقلاب و رستاخیزی است که در جان او شکل می‌گیرد. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۵/۵/۳۱) در واقع بعثت در شخص نبی مقدم بر برانگیختگی جامعه است. به عقیده

آیت الله خامنه‌ای:

نبی با مایه‌هایی سرشار و بالاتر از مردم عادی، آماده تحمل بار مسئولیتی بدان عظمت و سنگینی است ولی تا پیش از بعثت این مایه‌ها هنوز به ظهور و فعلیت نینجامیده و او هم چون یکی از افراد معمولی دیگر در مسیر عادی اجتماع به تلاش و فعالیت مشغول است؛ وحی الهی در او تحول و انگیزش و انقلابی به وجود می‌آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳۱)

پیامبر ﷺ در مسیر معمولی زندگی و جامعه بود که ناگهان وحی الهی می‌رسد و یک تحول عمیق در وجود و باطن او پدید می‌آورد. آن قدر این تحول عجیب و شدید است که حتی در جسم و اعصاب پیغمبر هم اثر می‌گذارد. پس از این آمادگی، تحول درونی و دریافت وحی، از حال رکود و رخوت خارج می‌شود و مسیرهای جدید به روی انبیاء گشوده شد و برای تحول اجتماعی دارای طرح و برنامه شدند. در واقع پیامبر پس از اتصال به غیب و دریافت وحی، به سه دارایی و ابزار مهم دست می‌یابد که به واسطه آن می‌تواند رسالت خود را به انجام برساند. در سوره حدید آیه ۲۵ آمده است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

در این مرحله پیامبر ﷺ مجهز به سه امر می‌شود:

۱. **بینات**؛ یعنی دلایل و آیات روشن و روشنگر که نوع تلقی و شناخت توحیدی به عالم و آدم را و جهان بینی کاملاً توحیدی را در نبی ایجاد می‌کند.
۲. **کتاب**؛ یعنی مجموعه معارف و مقرراتی که اصل دین از آنها تشکیل می‌شود و جامع ایدئولوژی و برنامه اقدام و عمل دین است. اصول فکری و معارف سازنده که در زمینه‌های عملی، اثر محسوس دارد و در زندگی سازنده است.
۳. **میزان**؛ یعنی وسیله‌ای که با آن می‌توان تعادل و توازن اجتماعی را به وجود آورد. حق امامت نبی و مقررات و دستگاه‌های قضایی الهی که اجراکننده‌ی قانون و ضامن اجرا قانون باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۰۳ و ۳۸۷-۳۸۸)

اینها امکانات و سرمایه‌هایی است که در مرحله اول حرکت تکاملی نهضت انبیاء از طریق وحی در اختیار پیامبر قرار داده می‌شود تا «بعد از آنی که رستاخیزی در درون ذات نبی و روان او به وجود آمد، مثل سرچشمه‌ای که در هر لحظه‌ای میلیاردها جریان آب از او استخراج می‌شود و



می‌ریزد... بعد همین سرچشمه، همین تحول، همین شور، همین انقلاب، همین رستاخیز، از این چشمه فیاض جوشان، که روح نبی و باطن نبی‌ست، می‌ریزد به اجتماع، منتقل می‌شود به متن جامعه بشری. بعد از آنی که در او تحول به وجود آمد، در جامعه تحول به وجود می‌آید.» (همان: ۳۳۱)

بنابراین پس از تحول درونی، دو مرحله دیگر در تحقق رسالت وجود دارد: ۱. رستاخیز اجتماعی؛ ۲. ساختن اجتماع نو.

مرحله دوم: رستاخیز و انقلاب اجتماعی

بعد از آن که انقلاب تحول دگرگونی و رستاخیز در وجود نبی ایجاد شد و به واسطه مایه‌ها و ظرفیت‌های وجودی گسترده به پیامبری برگزیده گشت؛ آن وقت نوبت به انقلاب و رستاخیز در محیط خارجی می‌رسد. یعنی همان تحول درونی باید به شکل و وضع خاصی به متن واقعیت اجتماعی سرایت کند و یک دگرگونی عمیق بنیادی و ریشه‌ای را در اجتماع به وجود آورد.

«این جور نیست که برانگیختگی پیغمبر و راهبری او، مردم را از تحریک در این میدان برکنار کند؛ این جور نیست. همان طور که عرض کردیم، برانگیختگی پیامبر به برانگیختگی انسان‌ها منتهی می‌شود و جامعه را برانگیخته می‌کند؛ انسان‌ها حرکت می‌کنند.» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱)

و این همان انقلاب اجتماعی است انقلاب یعنی تغییر در زیربناها، شالوده‌ها، قسمت‌های اصلی پیکره و بنیان‌های اساسی این عمارت جامعه و تبدیل آن به پیکره‌ای دیگر به بنیان‌هایی براساس یک خط مشی و یک برنامه عمومی متفاوت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۵۴)

در این مرحله پیامبران به انقلاب و رستاخیز در اجتماع طبقاتی و جاهلی می‌پردازند اجتماعی که بر محور تبعیضات گسترده و حق ویژه قیصرها، کسرها، جباران و توجیه‌کنندگان فرهنگی و مذهبی و همراهان سیاسی و اقتصادی آنان شکل گرفته است. جامعه‌ای که اکثریت مردم برده و اسیر و عبد در مقابل انسان‌های دیگر و قوانین جعلی آنها هستند. انبیاء با شعار توحید وارد میدان می‌شوند و مهم‌ترین نغمه و سخن خود را توحید است را بیان می‌دارند.

پیامبران برای تحقق رستاخیز اجتماعی و ایجاد انقلاب اساسی در جامعه با توجه به صحنه رقابت و میدان عمل، گام‌ها و اقدامات متعددی انجام می‌دهند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

گام‌های پیامبران در ایجاد رستاخیز اجتماعی

گام اول: ابلاغ رسالت توحید بر مبنای هدایت عقل و برانگیختن اراده‌های مردم

آیت الله خامنه‌ای به درستی توجه می‌دهد که نقطه شروع در همه فعالیت‌های انسانی و اجتماعی مسئله بسیار مهمی است در طرح حرکت انبیاء نیز نقطه شروع جزو مهم‌ترین مسائل و نشانگر اهمیت و سبک خاص و شیوه معینی است که همه انبیاء علیهم‌السلام بر اساس آن حرکت کرده‌اند و می‌تواند برای پیروان انبیاء درس آموز باشد. (همان: ۳۹۸) ایشان می‌گویند:

انبیاء در شروع انقلاب عقیدتی و رستاخیز اجتماعی خود چنین نبودند که هم‌چون بسیاری از مکاتب و احزاب سیاسی و اجتماعی، شعار اصلی خود را مخفی نمایند و با مردم معامله و تعارف کنند و با چرب‌زبانی و خطابه و حرف‌های زیبا آنها را توجیه و به تدریج همراه کند، بلکه آنها صادقانه و با درستی و راستی هدف نهایی و واقعی خود که کلمه توحید بود را از همان ابتدا صریحاً بیان کرده‌اند. (همان: ۴۰۳)

گام دوم: گروه مردم حقیقت‌خواه و تلاش برای تربیت اخلاقی و معنوی آنها

پس از آن‌که پیامبران دعوت توحیدی خود را با شیوه‌های حکمی و منطقی برای مردم تبیین می‌کنند بدون تردید بسیاری از افراد گمشده فطری خود را در دعوت انبیاء می‌یابند و به سمت آنها گرایش می‌کنند و به آنان ایمان می‌آورند.

انسانی که با عقل، شناخت و معرفتی را کسب می‌کند و با آن احساس قربت و بدان تمایل می‌یابد نیاز به تعمیق و تقویت ایمان، تحکیم باورهای دینی و تخلق به ارزش‌های اخلاقی و رفتاری دارد تا بتواند به درستی را مسیر صحیح را انتخاب و درن حرکت کند. اگر کسی ایمان قوی و تخلق به ارزش‌های اخلاقی متناسب نداشته باشد نمی‌تواند ثابت قدم باشد و به درستی حرکت کند. از این رو تربیت معنوی و تربیت ایمانی یک ضرورت مهم در حرکت اجتماعی و رستاخیز جامعه است. هم‌چنین رهروان مکتب صحیح بر اساس تعاون و هم‌نوایی جمعی می‌توانند در صراط مستقیم حرکت کنند و مسیر رشد و تعالی را بپیمایند و از اختلافات، تضادها و تعارض تعارض‌های ممکن میان آنها کاسته شود و به اعتماد و امنیت و هم‌چنین وحدت و همبستگی و هم‌افزایی بین آنها افزوده شود. برای رسیدن به چنین روشی نیاز به تربیت ایمانی، معنوی و اخلاقی است. بنابراین پس از ایمان و گروه افراد، لازم است آنها تحت تربیت معنوی پیامبر قرار می‌گیرند. (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹) به واسطه تربیت اخلاقی، روحیه و منش مردم تغییر می‌کند. بر این اساس زیر باز دلت و حقارت که در ستیز با اخلاق و معنویت است نمی‌روند و کرامت نفس و عدالت را مطالبه خواهند کرد. همین



نسل تربیت یافته زیربنای جامعه اسلامی و اولین سلول‌های پیکر امت اسلامی محسوب می‌شود. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۵/۵/۳۱)

گام سوم: معارضه گروه‌های معارض و شکل‌گیری جبهه‌بندی اجتماعی و سیاسی

نوع طرفداران پیامبران از طبقات محروم، ظلم‌دیده و ستم‌کشیده هستند که در پرتو نعمت دین و به حرکت تکاملی پیامبر احساس هویت و شخصیت می‌کند و از غفلت و جهل بیدار می‌شود و به ظلم‌ها و ستم‌های طبقات حاکم آگاه می‌شوند و با طرح زندگی انسانی و متعالی آشنا می‌شوند. با آمدن پیامبر و عقل و آگاهی و معرفت رواج می‌یابد و دیگر جایی برای اهل خرافه و بی‌سوادها و از خودراضی‌ها نیست. بر همین اساس پیامبر ﷺ و پیروان او نغمه مخالفت با امتیازات طبقاتی را سر می‌دهند و مطالبه جامعه عاری از ظلم و ستم و استثمار و استبداد دارند و بر اساس توحید جامعه فاضله و عدالت‌محور را طلب می‌کنند. طبیعی است که صاحب آن منابع منافع و سودجویان از وضعیت موجود از این طرح و مطالبه احساس خطر کنند و علیه پیامبر و یاران او واکنش تند نشان دهند. با آغاز مخالفت‌ها و تعارض‌ها فصل جدیدی در حرکت کامل انبیاء با درگیری‌ها و صف‌آرایی حامیان جبهه پیروان و مخالفان آغاز شود. هم‌چنان که قرآن کریم از وجود معارضان و دعوت انبیاء یاد می‌کند.

﴿وَكَايِنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرًا مَهْنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾؛ (آل عمران: ۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.

چرا که موجودیت این افراد و جایگاه اجتماعی آنها بر این است که حقوق انسان‌های مستضعف و بی‌گناه را ناقض حق استفاده می‌کنند بنابراین از آگاهی و بیداری و مطالبات مردم متضرر می‌شوند و نمی‌توانند حاکمیت و سلطه خود را ادامه دهند.

گام چهارم: دعوت به ایمان و صبر (اندیشه مقاومت) انتظار پویا و فعال نصرت و امدادهای غیبی
در برابر فشارها، تهدیدها، دشمنی‌ها، پیامبر ﷺ یاران خود را به دو خصلت مهم دعوت می‌کند:

۱. ایمان و اعتقاد از روی آگاهی و همراه با تعهدپذیری؛

۲. صبر یعنی مقاومت در برابر موانع، از میدان در نرفتن، رها نکردن. البته صبر به معنای

نشستن و غصه خوردن نیست. صبر یعنی «مقاومت آدمی در راه تکامل در برابر انگیزه‌های شرافرین فسادآفرین و انحطاط‌آفرین» (خامنه‌ای، ۱۳۵۸: ۹) «صبر یعنی: مقاومت در برابر انگیزه‌هایی که انسان را از انجام دادن کارها و تکالیف واجب باز می‌دارد یا انگیزه‌هایی که او را بر انجام دادن کارهای ممنوع و حرام وادار می‌سازد یا در برابر مصیبت‌ها و پیشامد ناگوار و تلخ زندگی که عنان شکیبائی و طاقت را از او باز می‌گیرد.» (همان: ۲۷)

گام پنجم: رسیدن نصرت الهی و امداد غیبی و تضعیف جبهه باطل

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾. (محمد: ۷)

در جهان بینی توحیدی انبیاء، پیروزی و نصرت الهی نتیجه قطعی صابران و مجاهدان راه حق است و این سنت تخلف‌ناپذیر الهی است و همه صابران و مجاهدان مشمول آن می‌شود. بر این اساس مرحله پنجم نهضت انبیاء رسیدن نصرت الهی و گشایش در کارها و باز شدن قفل درهای بسته است. در این مرحله به واسطه نصرت الهی، بسیاری از موانع و مشکلات برداشته می‌شود و شرایط برای ایجاد یک جامعه اسلامی و مدینه فاضله فراهم می‌شود. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

بنابراین آخرین مرحله از مراحل رستاخیز اجتماعی نبی ﷺ رسیدن نصرت الهی و بهره‌گیری صحیح و حکیمانه از نصرت الهی و فرصت ایجاد شده است تا با تدبیر صحیح زمینه برای مرحله بعدی که ساخت جامعه نوین اسلامی است فراهم شود.

مرحله سوم: ساختن و بنیانگذاری یک اجتماع نو

با رسیدن نصرت الهی زمینه و بستر لازم برای تشکیل جامعه اسلامی و تأسیس مدینه فاضله توسط انبیاء فراهم می‌شود. پیامبران الهی نیز با بهره‌گیری صحیح و حکیمانه از این زمینه و بستر فراهم شده به تشکیل مدینه فاضله و حکومت الهی می‌پردازند و در این مسیر هیچ سستی و رخوتی به خود راه نمی‌دهند. هم‌چنان‌که بسیاری از انبیاء الهی این توفیق را یافتند در محدوده‌ای از کره خاکی حکومت دینی و جامعه دینی را برقرار ساختند؛ حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت داوود علیه السلام و پیامبر اکرم اسلام از جمله انبیاء مؤسس جامعه دینی بودند. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای اگر شرایط لازم فراهم شود و نبی حکومت تشکیل ندهد رسالت ناتمام رها می‌شود و او نتوانست است به تمام وظیفه خود عمل کند.

اگر نبی بزرگ بیاید در اجتماعی و اصولی را هم ارائه بدهد، اما اجتماعی بر مبنای این

اصول بنیان نگذارد، یک جامعه را به شکل مطلوب خود نسازد، رسالت او ناقص است. فرض کنید مثلاً موسای پیغمبر علیه السلام بیاید در جوامع فرعون، های وهویی هم راه بیندازد، فرعون را هم متوجه کند که ما آمدیم، اصول صحیحی را هم به مردم ارائه بدهد، احیاناً شورشی هم برپا کند و فرعون را هم از بین ببرد و از تخت فرعون و از گون کند و اصلاً وضع اجتماع را در هم بپاشد، اما یک اجتماع درست طبق پیشنهاد خود نسازد و تحویل انسانیت ندهد و خود در رأس آن اجتماع قرار نگیرد و برنامه حرکت آن اجتماع و پیشرفت و تکامل آن را در اختیار این اجتماع و زیر بغل آن نگذارد، این موسی علیه السلام رسالت خود را انجام نداده؛ و می دانید که همه انبیای الهی جامعه تشکیل داده اند؛ اقلاً در یک محیط و محدوده کوچکی، یک جایی به قواره مطلوب خود به وجود آوردند، یک جامعه ای درست کردند، مبانی جامعه را بنیانگذاری کردند، کار گذاشتند؛ حالا بعد باقی ماند یا نماند، آن مسئله دیگری است؛ اما این را به وجود آوردند، اسلام هم همین طور... اسلام آمد و با یک فریاد، مقدمات انقلاب خود را فراهم کرد. (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۸)

در این مرحله نیز پیامبران اقدامات گسترده و چند جانبه مهمی را برای تأسیس و تثبیت جامعه اسلامی حکومت دینی انجام می دهند که در مجموع موجب تثبیت و تحکیم جامعه اسلامی می شود. در واقع نباید تصور شود که پیروزی انقلاب اجتماعی و ساخت نظام اسلامی پایان کار است؛ بلکه با پیروزی انقلاب مرحله جدیدی از حیات اجتماعی و حرکت تکاملی انبیاء آغاز می شود. شاید بتوان گفت از گذشته سخت تر و پیچیده تر است در واقع در این مرحله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسالت های مختلفی بر عهده دارند که مهم ترین آن عبارت است از:

۱. پیشبرد اهداف انقلاب و تعیین بخشی آنها در جان ها و نفوس مردم، تقویت فکری و معنوی نیروها و جلوگیری از انحراف فکری و عقیدتی در راستای تقویت جبهه مؤمنان و ارتقاء تعهد و ایمان اهل جامعه به نبوت و کتاب؛

۲. تبیین وظایف و تعهدات اهل جامعه در راستای تربیت فردی و تعالی اجتماعی و تغییر هنجارها، قوانین و ساختارهای اجتماعی برای رسیدن به قله های تعالی و پیشرفت مادی و معنوی؛

۳. حفاظت و پاسداری از ارزش ها، امکانات و سرمایه انسانی در برابر مشکلات داخلی و حملات خارجی؛

۴. جلوگیری از ایجاد شکاف درونی و مقابله با پدیده نفاق؛

۵. جذب واقعی دل ها و یارگیری از مردم و پیروان جدید و گسترش مرزهای جغرافیایی و

فرهنگی؛

۶. ریل‌گذاری جامعه برای بعد از وفات نبی به نحوی که امکان رشد و تعالی فردی و اجتماعی در متن جامعه مناسبات انسانی و معادلات اجتماعی وجود داشته باشد. برای تحقق این وظایف مهم بی‌تردید به مجاهدت و سختکوشی پیامبر ﷺ و همراهان او نیاز است و نمی‌توان به سادگی از کنار این وظایف مهم از اینرو انبیاء الهی پس از تشکیل جامعه اسلامی راهبردها و اقدامات و عملیاتی گسترده و چندجانبه دست زده‌اند و مرحله جدید از حرکت تکاملی خود را تحقق بخشیده‌اند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث ۱۳۸۵/۵/۳۱)

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که فهم عملکرد پیامبر در دوران ۱۰ سال مدینه که به ساخت جامعه اسلامی و بنیان‌گذاری تمدن اسلامی پرداختند بدون یک نگاه همه‌جانبه و توجه به همه اعمال و وقایع زندگی پیامبر اسلام ﷺ ممکن نیست و اگر کسی بخواهد فهم عمیقی از اقدامات و کاربزرگ ایشان داشته باشد حتماً باید وقایع را در کنار هم بنگرد و مطالعه کند:

امروز هم کسانی که بخواهند اوضاع آن ده سال را قدم به قدم دنبال کنند، چیزی نمی‌فهمند. اگر انسان هر واقعه‌ای را جداگانه حساب کند، چیزی ملتفت نمی‌شود؛ باید نگاه کند و ببیند ترتیب کار چگونه است؛ چطور همه این کارها مدبرانه، هوشیارانه و با محاسبه صحیح انجام گرفته است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

گام‌های حرکت تکاملی پیامبر ﷺ در ساخت جامعه اسلامی

گام اول: شالوده‌ریزی نظام با شاخصه‌های خاص

۱. پایه‌گذاری پایه‌های اعتقادی

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد چنین نظامی، به پایه‌های اعتقادی احتیاج دارد: اول باید عقاید و اندیشه‌های صحیحی وجود داشته باشد تا این نظام بر پایه آن افکار بنا شود. پیغمبر این اندیشه‌ها و افکار را در قالب کلمه توحید و عزت انسان و بقیه معارف اسلامی در دوران سیزده سال مکه تبیین کرده بود؛ بعد هم در مدینه و در تمام آنات و لحظات تا دم مرگ، دائماً این افکار و این معارف بلند را - که پایه‌های این نظامند - به این و آن تفهیم کرد و تعلیم داد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

۲. تربیت پایه‌های انسانی



هم‌چنین «پایه‌ها و ستون‌های انسانی لازم است تا این بنا بر دوش آنها قرار گیرد - چون نظام اسلامی قائم به فرد نیست - پیغمبر ﷺ بسیاری از این ستون‌ها را هم در مکه به وجود آورده و آماده کرده بود. یک عده، صحابه بزرگوار پیغمبر ﷺ بودند - با اختلاف مرتبه‌ای که داشتند - اینها معلول و محصول تلاش و مجاهدت دوران سخت سیزده‌ساله مکه بودند. یک عده هم کسانی بودند که قبل از هجرت پیغمبر، در یثرب با پیام پیغمبر ﷺ به وجود آمده بودند؛ از قبیل سعد بن معاذها و ابی‌ایوب‌ها و دیگران. بعد هم که پیغمبر ﷺ آمد، از لحظه ورود، انسان‌سازی را شروع کرد و روزه‌روز مدیران لایق، انسان‌های بزرگ، شجاع، با گذشت، با ایمان، قوی و با معرفت به عنوان ستون‌های مستحکم این بنای شامخ و رفیع، وارد مدینه شدند.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

پیامبر اکرم ﷺ برای تربیت نیروی انسانی و اتصال قلب‌های آنها چند اقدام اساسی را انجام دادند:

۱. ساخت مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی برای اجتماع مردم؛ (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)
۲. ایجاد وحدت؛ (همان)
۳. ایجاد اخوت؛ (همان)
۴. فعال کردن خواص در تربیت و اصلاح عوام. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲)

گام دوم: حراست نظام در برابر دشمنان

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بعد از آنی که جامعه اسلامی متولد شد پنج دشمن اصلی، جامعه تازه متولد شده را تهدید می‌کند^۱ از این رو پیامبر ﷺ این دشمنان را به جامعه معرفی می‌کند و با بسیج عمومی مردم جامعه اسلامی در برابر آنها ایستادگی می‌کند و جلوی کید و مکر آنها و حملات سخت نظامی و فرهنگی آنها را مسدود می‌کند.

گام سوم: تکمیل و سازندگی نظام

آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید:

در شالوده‌ریزی، به بنای اشخاص و بنیان‌های اجتماعی نیز توجه شده است و بعد از

۱. «جامعه‌سازی و مدنیت‌سازی - که یکی از بزرگ‌ترین هدف‌های اسلام است - بدون دشمنی ممکن نیست. در صدر اسلام هم با تشکیل نظام و جامعه اسلامی دشمنی شد.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲)

این هم ادامه پیدا خواهد کرد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸) از این رو یکی از مهم‌ترین عوامل اصلی برای تکمیل شالوده نظام و سازندگی اجتماعی، تقویت بنیان‌های جامعه و تعمیق ولایت مؤمنانه از طریق معرفی طریق اصیل ولایت و انتخاب ولی جامعه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷۲-۹۵)

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای بعد از خود نیز زمینه کار را محکم‌تر می‌کند و با آنها پیمان می‌بندد، زیرا:

این موجود نوظهور که اسمش «جامعه اسلامی» است، باید تا ابد بماند و برای این‌که تا ابد بماند... بنیان‌گذار مکتب می‌آید فکری را پیشنهاد و ارائه می‌کند؛ حتی جامعه‌ای را هم بر بنیاد این فکر می‌سازد؛ اما فکر باید در جامعه پخته شود. نه این‌که از لحاظ واقعیت نپخته است؛ نه، در ذهن مردم باید پخته شود. این افکار اصولی باید تبیین و تصریح و تفسیر شود، باید با گوشه و کنارهای زندگی مردم تطبیق داده شود. این، کار افراد یا فرد خاصی است که از همه بهتر به مکتب آشنا است. مکتب، مفسر و شارح می‌خواهد، شارح می‌خواهد. آن شارح و مفسر کیست؟ امام. (همان: ۷۳-۷۴)

به اعتقاد ایشان مردم باید رهبر داشته باشند. بعد از این‌که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت، در رأس جامعه اسلامی لازم است یک نفر باشد که آن حرکت را، آن سیر و آن تلاش را که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌کرد برای پیشبرد این جامعه و رسانیدن آن به تعالی و تکاملی که منظور او هست، ادامه دهد و لازم است دستی به نیرومندی دست پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، زمام اجتماع را بگیرد و به آن راهی که می‌خواهد، هدایت کند (همان: ۷۶-۷۷) بنابراین آخرین اقدام مهم در حرکت تکاملی انبیاء، تعیین امام جامعه برای پیشبرد اهداف نبویت و گسترش کمی و کیفی جامعه اسلامی است.

نتیجه‌گیری

یکی از منابع ارزشمند و پر محتوا برای تدوین و طراحی طرح حرکت و تکامل، سیره انبیاء الهی و اولیاء معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است. سیره‌ای که به واسطه عصمت انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام و نقل معصومانه آن در قرآن کریم و روایت معتبر آن در روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌تواند انسان را سطح بالایی از معرفت و طمأنینه قلبی برساند اضافه بر آن، مبین مواقف و میدان‌های متنوع و متکثر عمل و کنش آدمی باشد. چرا که انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول تاریخ انسانیت همواره مشعل‌داران هدایت و جریان‌سازان حرکت و تکامل بوده‌اند و همواره بشریت را به پیش برده‌اند. انبیاء در این مسیر، با سختی‌ها و بحران‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها مواجه بوده‌اند و در برخورد با هر موقعیت و فضای فرهنگی و میدان رقابت و تضاد اجتماعی

کنش و واکنش متناسبی اتخاذ کرده‌اند. انبیاء الهی در مجموع صحنه رقابت و میدان نزاع و تضاد را به نفع جبهه حقیقت تغییر داده‌اند و کاروان پویای زندگی انسان و تاریخ بشریت را به پیش برده و تکامل رسانده‌اند. انبیاء علیهم‌السلام خط متصل تاریخ بشر و محور تحولات اجتماعی و تاریخی هستند که یک جریان متصل، هماهنگ و پیوسته هستند و هیچ اختلاف و تفرقه‌ای میان آنها نیست. انبیاء الهی از آغاز تاکنون توفیق یافته‌اند که اندیشه بشر را در همان مسیری که خود می‌خواستند هدایت کنند و تعالی و تکامل جامعه بشری را تسهیل و تسریع بخشند. پیامبران در برافکندن جهل و فقر و ظلم و استثمار و اختلاف طبقاتی نهایت کوشش را داشتند و تلاش کرده‌اند بشر را از حضيض توحش و نادانی خارج و به عالی‌ترین درک از معنای زندگی و زیباترین شیوه زندگانی دعوت کنند. سیر تاریخ بشریت نشان می‌دهد که تاریخ هم‌چون یک نوار ممتد متصل است که در هر قطعه‌ای از آن پیامبری حضور داشته است هر یک از انبیاء متناسب با مقطعی که در آن قرار داشته‌اند و گام به گام و بشریت را به پیش برده و به تعالی و تکامل نزدیک ساخته‌اند. در مجموع آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که این حرکت تکاملی که با آغاز با انبیاء آغاز شد و هر یک از انبیاء یکی پس دیگری این بار سنگین هدایت و تکامل را جلو آوردند تا به رسالت حضرت ختمی مرتبت رسید که ختم نبوت و اکمال بعثت بود و از این رو خداوند متعال از انبیاء میثاق نبوت پیامبر اسلام را گرفته است. حرکت رسالت نیز از طریق امامت ادامه پیدا می‌کند تا ظهور موعود ادیان، حضرت حجت ابن الحسن علیه‌السلام ادامه خواهد داشت و بشریت به تکامل لایق خود خواهد رسید. بر این اساس زمینه‌سازی ظهور، متوقف بر شناخت صحیح فرآیند حرکت تکاملی انبیاء علیهم‌السلام در قرآن کریم است و آیت‌الله خامنه‌ای خود بدین مهم اهتمام ویژه‌ای داشته است. چنان‌که در مقاله روش شد از مجموع آثار ایشان چنین استفاده می‌شود که حرکت تکاملی انبیاء دارای سه مرحله مهم است و هر کدام از این مراحل دارای گام‌های مختلفی است.

منابع

۱. بیانات در جلسه بیست و دوم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۱/۲۶.
۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۳. بیانات در دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۸.
۴. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.
۵. بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث،

۱۳۸۵/۵/۳۱

۶. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲.
۷. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۷/۵/۹.
۸. بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹.
۹. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۸)، *گفتاری در باب صبر*، تهران، بی‌نا.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، *طرح کلی اندیشه اسلامی*، قم، صهبا.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، *همرزمان حسین*، تهران، مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸ الف)، *منشور حکومت علوی*، تهران، مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸ ب)، *نبوت‌ها در نهج البلاغه*، تهران، مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی